

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی « سعید افغانی »
۱۴ می ۲۰۱۷

قابل توجه زمامداران در افغانستان

بیت المال به تعبیر امروزی همان خزانه ملت است که مرکز دخل و خرج دولت (اعم از معاشات ولات امور، رئیس، قاضی، نیروهای امنیتی، سایر کارمندان و بودجه پروژه‌های عمومی و خصوصی دولتی) از آن پرداخته می شود.

در صدر اسلام خلفای راشدین علاوه بر تأمین مخارج موارد مذکور، به هر کدام از باشندگان خویش در صورت ضرورت مبلغی رانیز اعطاء می کردند.

در زمان خلافت حضرت عمر (رض) با گسترش تعداد مسلمانان و فتوحات اسلامی و پیشرفت امور، تعداد کارمندان و مأموران دولتی نیز افزایش یافت.

لذا برای تأمین مخارج دولت اسلامی، از فرمول و برنامه خاصی پیروی می شد تا امور خدماتی کشور بر اساس نیاز و اولویت صورت پذیرند.

عبدالرحمان بن نجیح صحابی جلیل القدر اسلام می فرماید: روزی به خانه حضرت عمر رضی الله عنه رفتم دیدم مشغول دوشیدن ماده شتر خود می باشد، روزی غلامش رفته بود تا شتر را بدوشد، متوجه شده بود که قبل از او چوپه شتر، شیرهای مادرش را نوشیده است، غلام مجبور شد شیرهای یکی از شتران بیت المال را نوشیده، نزد حضرت عمر رضی الله عنه حاضر نماید. حضرت عمر رضی الله عنه بعد از این که شیر را نوشید، گفت: این شیر را از کجا آوردی؟ او گفت: شیر یکی از شتران بیت المال است. حضرت عمر رضی الله عنه گفت: وای بر تو به من شعله آتش دادی تا بنوشم؟ سپس نزد مسلمانان رفت و حلال بودن آن شیر را که از شتران بیت المال نوشیده بود، خواست، که مسلمانان آن را برای او حلال کردند. (تاریخ المدینة المنورة صفحه ۷۰۲)

خواننده محترم !

توجه باید کرد ! حضرت عمر امیر المؤمنین با نوشیدن شیری از روی اشتباه، از ترس و عذاب الهی به مسلمانان مراجعه می فرماید و طلب حلالیت آن را از بزرگان اصحاب که نماینده مردم بودند، تقاضا می نماید، تا آرامش خاطر را کسب می کند.

می گویند روزی حضرت ابو موسی اشعری (رض) اتفاقی را که اموال بیت المال در آن نگاهداری و حفاظت می شد، جارو می کرد که از میان خاکروبها یک درهم یافت. آن را به یکی از نواسه های حضرت عمر فاروق که طفل

کوچکی بود داد. حضرت عمر (رض) آن درهم را در دست نواسه خویش دیده گفت: این را از کجا یافتی؟ طفل گفت: این را ابو موسی به من داده است. حضرت عمر بعد از آگاه شدن به این اصل، که نواسه اش درهم را از کجا به دست آورده است، عصبانی شد و آن درهم را از دست نواسه خود گرفته به بیت المال دوباره تسلیم نمود و فرمود: ای ابو موسی! خانه‌ای را ذلیل‌تر از خانه ما نیافتی؟ مؤرخین می‌نویسند: عین واقعیه برای دختر پسرش پیش آمد که او درهمی را در دهان گذاشته بود و می‌دوید و گریه می‌کرد. اما آن جناب انگشت در دهانش گذاشت و درهم را از دهنش بیرون آورده و تسلیم بیت المال نمود.

و اما زمامداران و ولات امور کشورهای اسلامی و به خصوص زمامداران در افغانستان نه تنها در فکر طلبیدن حلال نیستند بلکه مال بیت المال را حق مشروع خویش می‌دانند و چنان در آن تصرف می‌کنند که خلاف صریح این حکم است که می‌فرماید: «فاعتبروا یا اولی الابصار»